

تحلیل اندیشه‌های حکومتی و اجتماعی سید قطب در فی ظلال القرآن

حمید رضا فریدی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۱۲

فرج بهزاد وکیل آباد**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۷

صمد عبداللهی عابد***

چکیده

سید قطب از شخصیت‌های برجسته و نامدار در تفسیر قرآن و از نظریه‌پردازان توانا در زمینه ایدئولوژی اسلامی است. تحلیل اندیشه‌های وی درباره مسائل حکومت و اجتماع، موضوع این مقاله است. هدف این پژوهش پاسخ به این سؤال است: مهم‌ترین شاخص‌های حکومتی و اجتماعی از نظر سید قطب چیست؟ در این پژوهش با روش کیفی و رویکردی تحلیلی، اندیشه‌های اجتماعی این مفسر در مسائل حکومتی و اجتماعی بررسی شده و نتایج زیر حاصل شده است: سید قطب برای فرد و جامعه اهمیت ویژه قائل است و عقیده را دلیل پیدایش جامعه می‌داند. جامعه مطلوب از نظر او، جامعه‌ای دینی است. وی وجود حکومت و عدالت را برای جامعه ضروری می‌داند و بین عدالت و برابری مطلق تفاوت قائل است. سید قطب، در رویارویی تمدن اسلامی با تمدن غربی، جریان‌های سیاسی اسلام سکولار و اصول‌گرایی اسلامی شکل گرفت که عمده‌ترین چالش‌های جهان اسلام است.

کلیدواژگان: سید قطب، فی ظلال القرآن، حکومت، اجتماع، سیاست.

* دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

** استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

behzad.f.phd@gmail.com

*** دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

نویسنده مسئول: فرج بهزاد وکیل آباد

مقدمه

اندیشه در اسلام، جایگاهی بس ارجمند دارد. خداوند در قرآن کریم، انسان را به مطالعه و تبیین پدیده‌های عالم فرا می‌خواند تا از این رهگذر او را به تفکر و تعمق وا دارد و از آنجا که هیچ وجهی از تفکر، دارای استقلال تام و تمام نیست و رابطه‌ای دوسویه میان تمام گونه‌های اندیشه‌های بشری وجود دارد و به ویژه اندیشه‌های اجتماعی و حکومتی به صورت ژرف بر تمامی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، به خصوص در جامعه مدرن که تفکر اجتماعی نقش حیاتی ایفا می‌کند و تمام خط مشی‌های زندگی نوین، متجلی و متأثر از اندیشه‌های اجتماعی و حکومتی است، بررسی و ژرف‌نگری در آراء و آثار دانشمندان مسلمان، باز کردن دریچه‌ای برای بازاندیشی مسائل و پدیده‌های مختلف اجتماعی است؛ زیرا بازنگری در نظریه‌های اصیل اندیشمندانی که با پشتوانه کتاب و سنت در فضای فرهنگ و تمدن اسلامی رشد کرده و با افکار اصیل و بدیع خود، موجب گسترش و توسعه تفکر و پژوهش گشته‌اند، مورد نیاز جامعه اسلامی بود و راهی است برای طرح مسائل و مشکلاتی که جزئی از زندگی انسان محسوب می‌شوند و هر نکته و نظریه‌ای که از اصالت و استحکام برخوردار باشد، می‌تواند آغازی باشد برای اندیشیدن.

بررسی دیدگاه مفسر درباره اجتماع و حیات آن، رابطه فرد و اجتماع، حقوق و قوانین اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، سنت‌های اجتماعی و مسائل مرتبط با اجتماع در ابعاد عقیدتی و عملی مانند سیاست، حکومت، تمدن و... در جهت تبیین اصول کلی حاکم بر نظام اجتماعی اسلام و اثبات توانمندی اسلام در اداره شایسته جامعه و تأمین سعادت دنیوی و اخروی آن هم می‌تواند به تبیین و شناخت بهتر مفاهیم بینجامد و هم‌نگرش کلی مفسر در مورد این مسائل کلیدی را روشن نماید. در این میان بررسی و تطبیق آراء و دیدگاه‌های مفسران بر اعتبار و اهمیت این نوع تحقیقات می‌افزاید.

در این تحقیق تلاش خواهد شد با چنین رویکردی آراء و اندیشه‌های حکومتی و اجتماعی سید قطب به عنوان ادیب و اندیشمند پیشگام بیداری اسلامی که به دلیل توانایی در نظریه‌پردازی تأثیر زیادی بر جهت‌گیری جدید ایدئولوژی اسلامی در قرن معاصر داشته است، در تفسیر «فی ظلال القرآن» مورد بررسی تطبیق و تحقیق قرار گیرد.

هدف این تحقیق، دستیابی به دیدگاه سید قطب در مورد حکومت و اجتماع است. پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از: نظر سید قطب درباره تشکیل حکومت چیست و او چه ارکان اجتماعی را برای جامعه الگوی قرآنی خود معرفی می‌نماید؟

پیشینه تحقیق

سید قطب از چهره‌های شناخته شده در جهان اسلام است. کتاب‌ها و مقالات فراوانی درباره وی نوشته شده است. مواردی از پژوهش‌های صورت گرفته درباره او که می‌توان به عنوان پیشینه تحقیق حاضر مطرح کرد، عبارت‌اند از:

۱. «اندیشه‌های اجتماعی سید قطب با تکیه بر عدالت اجتماعی»، مریم توحیدی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹. در این پژوهش از میان آراء اجتماعی سید قطب به بحث عدالت اجتماعی به عنوان جامع مسائل و محور نظریات اجتماعی سید قطب تکیه شده است. این تحقیق در سه بخش به بررسی زمینه‌های فکری و اجتماعی اخوان المسلمین، مطالعه زندگی سید قطب به عنوان نظریه‌پرداز اخوان المسلمین و اندیشه‌های اجتماعی سید قطب شامل مباحث اصالت فرد یا جمع، نهادهای اجتماعی و عدالت اجتماعی در اسلام پرداخته است.

۲. «دیدگاه‌ها و ابعاد شخصیت سید قطب»، جلال موسوی امین، راهنما: علی منتظمی، دانشگاه فردوسی مشهد. این پایان‌نامه به بررسی دیدگاه‌ها و ابعاد شخصیت سید قطب در چهار بخش می‌پردازد: بخش اول درباره زندگینامه سید قطب است؛ بخش دوم درباره اشعار سید قطب و دیدگاه‌های وی در نقد ادبیات و معیارهای آن است؛ بخش سوم با عنوان اندیشه ضد اسلامی در بردارنده معانی عدالت اجتماعی و صلح از دیدگاه سید قطب است؛ بخش چهارم، ابعاد دیگر اخلاقی سید قطب را مورد بحث قرار داده است.

۳. «تحلیل انتقادی مبانی و روش تفسیری سید قطب در «فی ظلال القرآن»»، کرم سیاوشی، راهنما: محمدباقر حجتی، دانشگاه تربیت مدرس. این رساله در باب روش تفسیری سید قطب در تفسیر «فی ظلال القرآن»، با رویکردی انتقادی به تجزیه و تحلیل ابعاد عقلی و اجتماعی آن می‌پردازد. نویسنده در شش فصل، زندگانی سید قطب

و نگارش فی ظلال القرآن، قواعد و مبانی تفسیری، روش تفسیری، گرایش‌های تفسیری سید قطب، واژه‌های الگوپرداز و علوم قرآنی در «فی ظلال القرآن» را بررسی کرده است. ۴. «احیاء فکر دینی، مقایسه آراء سید قطب و شهید مطهری»، حسین نوری، راهنما: محمد مشکات، دانشگاه اصفهان. موضوع این پژوهش، تبیین تصحیح فهم دینی و اصلاح چگونگی دینداری است. نویسنده به تحلیل مهم‌ترین مسائل احیاء تفکر دینی از نگاه شهید مطهری و سید قطب پرداخته است. این مسائل عبارت‌اند از جهان‌بینی و ایدئولوژی، عدالت، حکومت، آزادی تفکر و عقیده، نویسنده این مسائل را از دیدگاه این دو شخصیت و از جنبه کلامی و بررسی کرده است.

شایان توجه است که با وجود گستردگی پژوهش‌ها پیرامون سید قطب، پاره‌ای از این آثار صرفاً به اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی او، پاره‌ای دیگر به مبانی و روش و ساختار تفسیر «فی ظلال القرآن»، و برخی نیز افکار سلفی با سایر اندیشه‌های سید را مورد کنکاش قرار داده‌اند که به طور مختصر از منظر نقد قرآنی به موضوع پرداخته‌اند، بنابراین هیچ پژوهشی به موضوع و مسأله مورد نظر این تحقیق نپرداخته است.

زندگینامه سید قطب

سید قطب /براهیم حسین در خانواده‌ای مذهبی در روستای موشا از توابع شهر اسیوط مصر در سال ۱۹۰۶م متولد شد. پدرش فردی میانه‌رو بود. سید بعد از آموزش‌های ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۹۲۹م وارد دارالعلوم شد و در سال ۱۹۳۳م در رشته زبان و ادبیات عربی موفق به اخذ لیسانس شد (البدری، ۲۰۰۳: ۲۶۳) و پس از آن به کار معلمی اشتغال یافت. سید قطب به نویسندگی نیز می‌پرداخت و در برخی از مجله‌های ادبی و سیاسی مثل الرسالة و اللواء مقاله می‌نوشت (عزام، بی‌تا: ۷). سید مدتی نیز به عنوان بازرس فنی در آموزش و پرورش کار کرد؛ اما در سال ۱۹۴۰ از این کار انصراف داد (منظمی، ۱۳۷۵: ۱۲۰). او در سال ۱۹۴۸ از طرف وزارت معارف مصر به همراه هیأتی برای بررسی و مطالعه نظام آموزشی آمریکا به آن کشور سفر کرد و در سال ۱۹۵۰ از آمریکا بازگشت. در همان سال، نخستین ارتباط او با برخی از جوانان عضو

اخوان برقرار شد. وی در سال ۱۹۵۳ رسماً به اخوان المسلمین پیوست و رئیس بخش نشر دعوت جمعیت و رئیس هیأت تحریریه مجله آنان شد (عزام، بی تا: ۵۲).

در جریان انقلاب ۱۹۵۲ که منجر به روی کار آمدن نظامیان به رهبری جمال عبد الناصر در مصر شد، اخوان المسلمین و سید قطب نقش مؤثری در پیروزی آنان داشتند؛ حتی سید قطب پس از پیروزی انقلاب، سه ماه مشاور امور داخلی مجلس انقلاب بود، اما پس از چندی به علت اختلاف آراء از مجلس کناره گرفت (همان: ۲۱).

اعضای سازمان اخوان، زمانی که سید قطب از معروف‌ترین رهبران فکری آن‌ها بود، بارها در دوره حکومت وقت مصر به رهبری عبد الناصر دستگیر شدند (الحسینی، ۱۳۷۷: ۳۷). جمال عبد الناصر در سال ۱۹۴۴ عضو اخوان بود و پیش از انقلاب نیز ارتباط خوبی با اعضای اخوان داشت؛ اما پس از به دست گرفتن قدرت، به علت برخی اختلاف نظرها، با اخوان رفتاری خشونت بار در پیش گرفت (حموده، ۱۹۹۳م: ۱۱۳). زندانی شدن گسترده اعضای این سازمان، سید قطب را متحول ساخت. او در سال ۱۹۵۴ زندانی شد و در زندان کتاب «معالم فی الطریق» را نوشت؛ کتابی که تا کنون محور اساسی تحول و تطور اندیشه اخوان به حساب می‌آید. از این زمان به بعد، عقاید سید رادیکال شد (Calvetr, 2010: 14). سید قطب پس از آزاد شدن از زندان، این کتاب و کتاب‌های «هذا الدین» و «المستقبل لهذا الدین» را منتشر کرد. در پی انتشار این کتاب‌ها، سید قطب دوباره در سال ۱۹۶۵ زندانی شد و به اتهام توطئه علیه نظام سیاسی حاکم به همراه جمعی از دوستانش به اعدام محکوم گشت که این حکم در سال ۱۹۶۶ اجرا شد (عزام، بی تا: ۵۲ و ۵۳). ذکر این نکته لازم است که سید قطب در ایام مبارزاتی خود با شاخه‌های اخوان المسلمین در خارج از مصر، از جمله شاخه اخوان عراق، اردن، سوریه و لیبی ارتباط داشت (قطب، بی تا: ۳۸).

دوران زندگی سید قطب بر اساس سطح رویکردهای ایدئولوژیکی‌اش به چهار دوره تقسیم می‌گردد: ۱. الحاد؛ ۲. رویکرد سکولار اسلامی؛ ۳. گرایش اسلامی معتدل؛ ۴. رادیکال اسلامی (مرادی، ۱۳۸۲: ۱۸۱ و ۱۸۲). در مرحله چهارم، اندیشه‌های وی بنیادگرایانه و افراطی بود و با این اندیشه‌ها به عنوان برجسته‌ترین شخصیت فکری بنیادگرایی اسلامی معاصر مطرح شده بود.

سید قطب کتاب‌های فراوانی نوشته و اشعار بسیاری سروده است. از اشعارش می‌توان به «الشاطی المجهول»، «حلم الفجر» و «قافله الرقیق» اشاره کرد (البدری، ۲۰۰۳م: ۳۶۳). او از معروف‌ترین شخصیت‌های جهان اسلام بود که در زمان حیاتش ایدئولوژی اسلامی را در مصر و جهان اسلام تحت تأثیر قرار داد و در الجزایر و سوریه بر اندیشه متفکران بسیار اثر گذاشت و هنوز هم اندیشه او محل توجه و بحث اندیشمندان است. بسیاری از آثار او به زبان‌های مختلف، مانند انگلیسی، ترکی، اردو، آلمانی، فرانسوی، مالایی و ... ترجمه شده است (Calvetr, 2010: 15).

مفاهیم

جامعه

واژه «جامعه» اسم فاعل مؤنث از مصدر «جمع» به معنای گرد آوردن، فراهم کردن و دربرگرفتن است. بنابراین، جامعه به معنای گردآورنده، فراهم‌کننده و دربرگیرنده است (ابن منظور، ۱۴۰۱ق: ج ۱ / ۲۰۷).

دانشمندان در تعریف جامعه به تعریف واحدی نرسیده‌اند و تعاریف مختلف، متفاوت و تا حدی مبهم ارائه داده‌اند. به عنوان مثال گاهی آن را با امت و یا ملت و گاهی با گروه‌های گسترده اجتماعی و حتی با مفهوم تمدن برابر گرفته‌اند. (ر.ک: کینگ، ۱۳۵۵: ۲۰۱). کوهن درباره جامعه انسانی، معتقد است که منظور از زندگی انسان به صورت دسته جمعی و اجتماعی یعنی اینکه دارای ماهیت اجتماعی هستند. یک طرف نیازها، کارها و فعالیت‌ها، ماهیت اجتماعی دارند که جز با تقسیم کارها و برطرف کردن نیازها با توجه به قوانین و نظام‌های خاصی امکانپذیر نیست. به طور کلی می‌توان گفت که جامعه شامل جمع کثیری از انسان‌ها می‌باشد که به خاطر سلسله‌ای از نیازها و خواسته‌های خود و تحت نفوذ یک سلسله از عقاید و تفکرات و آرمان‌ها در هم ادغام شده و زندگی مشترکی دارند (ر.ک: کوهن، ۱۳۸۹: ۵۹).

بیرو قائل به این است که دیگر سنت‌های مرسوم انسانی و شیوه‌های زندگی و فرهنگ، جزء اصول شاکله هر جامعه است. وی می‌نویسد که برخی متفکران، انواع وحدت‌های اشتراکی بین افراد از قبیل وحدت در مختصات جسم یا روان که در یک

گروه تحت حاکمیت واحد که در یک منطقه زندگی می‌کنند و به نوعی به زندگی اجتماعی تن می‌دهند را، جامعه معرفی می‌نماید. در این زندگی جمعی، خواسته‌های فردی نفی نمی‌گردد بلکه اراده‌های مجموع انسان‌ها در جهت بدست آوردن سایر مطلوبات جامعه به کار گرفته می‌شوند (بیرو، ۱۳۶۶: ۳۸۷).

جامعه در مفهوم دسته‌ای از انسان‌ها به کار می‌رود، خواه در یک مکان زیست نمایند و هم مکانی باعث اطلاق این لفظ بر آن‌ها باشد و یا عامل اشتراک دیگری مانند آئین و دین؛ مثلاً "جامعه مسیحیان" و خواه گروهی که حرفه و شغل واحدی دارند مانند "جامعه معلمان" و خواه همه انسان‌هایی که بر روی زمین به سر می‌برند؛ مثلاً "جامعه بشری" یا "جامعه بشریت" (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۱).

جامعه، مجموعه انسان‌هایی است که در جبر برخی نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها، ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده، در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند و روابط گوناگون مشترک و متقابل و نسبتاً پایداری، آن‌ها را به هم پیوند می‌دهند و هدفی واحد آنان را گرد آورده است. مطالعه جامعه بر طبق اصول علمی در حقیقت از آثار برخی از دانشمندان ریشه می‌گیرد که روابط انسان را با محیط پیرامونش چه از لحاظ طبیعی و چه از جهات اجتماعی بررسی کرده‌اند مانند *خواجه نصیرالدین طوسی* (۵۹۸ - ۶۷۲ق) که نخستین بار بحث اصالت جامعه را به مفهوم فلسفی آن مطرح کرد (مطهری، ۱۳۷۷: ج ۲ / ۳۳۱).

حکومت

واژه حکومت از ریشه "حکم" (ح ک م) می‌باشد. برای حکم افسار زدن بر اسب، بازداشتن از کار و نهی نمودن، ممانعت از انجام امری برای اصلاح کردن کار و نیز حکم کردن به معنای داوری در اختلافات را نام برده‌اند. *زبیدی* در «تاج العروس» آن را به معنای قضا یا داوری گرفته است (زبیدی، بی‌تا: ج ۸ / ۴۵۲). *راغب اصفهانی*، حکم را ممانعت از انجام کاری برای تحقق شایسته کار و به نظم و سامان رساندن آورده است. به نظر وی حکم در اصل، بازداشتن برای به سامان آوردن است (راغب، ۱۴۰۴ق: ۱۲۶). فرهنگ‌های فارسی برای این واژه معانی مانند داوری، حکم، امر و مانند آن ارائه داده‌اند؛

دهخدا/ در لغتنامه می‌آورد: «بازداشتن و منع کردن از فساد... امر، مثال فرمودن، امر کردن، حکومت، فرمان دادن،... رأی دادن قاضی، قضا، فتوا دادن، داوری، حکومت و...» (ر.ک: دهخدا، ۱۳۸۳: ذیل واژه حکم).

حکومت را به معنای حکم راندن و فرمانروایی کردن و اداره جامعه به همراه مدیریت آن گویند (ر.ک: آشوری، ۱۳۶۶: ۲۴۱).

در علوم سیاسی، حکومت تعریف اینچنینی دارد که مجموعه‌ای از نهادهای اداره عمومی که نظم و ارتباطات و مصالح جامعه را تأمین کرده و قانون را اجرا می‌نمایند. گاه نیز قوه اجرایی را که از تفکیک قوا ناشی می‌شود حکومت نامند (همان: ۲۴۱). حکومت در لاتین معادل "government" می‌باشد، که شامل روش و نحوه اداره سیاسی تشکیلات دولت می‌باشد (ر.ک: آقابخشی، ۱۳۶۳: ۱۱۰).

تحلیل اندیشه‌های حکومتی و اجتماعی سید قطب

حکومت

یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم گفتمان سید قطب، حاکمیت است و از آنجا که دستگاه فکری و سیاسی سید قطب بر پایه قرائتش از دین قرار داشت، در مورد شکل و نظام حکومت، دیدگاه‌هایی متفاوت با بسیاری از اندیشمندان معاصرش و کسانی که در حال حاضر تحت تأثیر عقاید غربی هستند، داشت. از نظر سید قطب، مفهوم «لا اله الا الله» بدین معناست که حاکمیت فقط از آن خداست و شریعت، فقط شریعت خداست و سلطه، فقط سلطه خداست و هیچ فردی و حکومتی بر انسان‌ها تسلط ندارد (سید قطب، بی تا: ۲۴-۲۵). بر همین مبنا قطب بر حرکت‌های جهادی آزادی بخش تأکید دارد. متأسفانه افکار وی در زمان حاضر دستمایه برخی جریان‌های افراطی قرار گرفته است، افراط‌گرایان با مشروعیت بخشی به رفتارهای خود، جهاد را به عنوان محملی برای انواع مبارزات توجیه می‌نمایند، که می‌توان از روش تربیت خردمندان این امور را کنترل نمود. (رمضان زاده، ۱۳۹۸: ۳۷۳-۳۹۷) البته سید قطب از اندیشه تکفیریان برکنار است.

وی با الهام‌پذیری از *ابوالعلی مودودی*، حاکمیت انسان را در برابر حاکمیت خدا می‌شمارد و بنیان قوانین جامعه و مدیریت آن را جز از طریق منابع شریعت، در برابر

توحید می‌داند. از نظر وی، بندگی خدا فقط با رهاشدن از حاکمیت انسان میسر است و از این رو، تمام حکومت‌ها دموکراتیک، کمونیستی و سکولار با حکومت خدا در تضاد هستند. ولی معتقد است بشر باید برای همه شئون زندگی فردی و اجتماعی خود به شریعت متوسل شود و غیر از این راه، راه مخالف بندگی است (همان: ۴۶-۴۹) ولی تن دادن به قوانین بشری مغایر با قوانین الهی را سبب کفر دانسته است: مصلحت انسان در شریعت خدا آمده است... اگر انسان‌ها بپندارند که مصلحتشان در مخالفت با شریعت خداست، کافر می‌شوند (همان: ۹۶).

ویژگی‌های حاکمیت

سید قطب ویژگی‌های حاکمیت را چنین برمی‌شمارد. ربانیت، ثبات، شمول، توازن، مثبت‌گرایی، واقع‌باوری و توحید. ولی این ویژگی‌ها را در برابر حاکمیت غرب قرار داده است؛ ربانیت را در مقابل نظریه اومانیزم، ثبات را در مقابل نظریه تکامل داروین، توازن را در مقابل افراط‌گرایی مکتب‌ها فلسفی غرب، مثبت‌گرایی را در مقابل منفی‌گرایی اتوپیای فلسفه غرب و واقع‌باوری را در مقابل خیال‌پردازی‌های فیلسوفان غربی (حسن حنفی، بی تا: ۲۳۹).

مطابق با عصر بودن حکومت اسلام: سید قطب معتقد به نقش اسلام در تمام جنبه‌های حیات فردی، اجتماعی و سیاسی بود و تلاش کرد نشان دهد اسلام در درون خود دارای نظام توسعه است. وی اسلام را برنامه‌ای می‌داند که با واقعیت زندگی سر و کار دارد. به اعتقاد او، اسلام اگر بخواهد عامل نجات باشد، باید حکومت‌کننده و شریعت اسلام قادر است با پیشرفت و تجدد حیات بشری هماهنگ باشد (ر.ک: قطب، ۱۳۶۰: ۳۳ و ۳۴).

قانون حکومت اسلامی: از نظر او، حاکمیت فقط برای خداست و زندگی بشر از تمام جهات باید به خدا ارجاع داده شود و انسان‌ها نباید در هیچ یک از شئون و جوانب زندگی از سوی خود حکم صادر کنند و همواره باید به حکم خدا رجوع و از آن پیروی کنند. ولی معتقد است حکمرانی خدا در زمین، هنگامی محقق می‌شود که شریعت خدا حاکم گردد و تمام امور بر طبق شریعت صورت گیرد. مقصود وی از شریعت خدا، همه چیزهایی است که خداوند برای سازماندهی حیات بشری، از جمله اصول اعتقادی، اصول

حکومتی، اخلاق و سلوک، تشریح کرده است. سید قطب می‌گوید فرد مسلمان حق ندارد در مسائل مختص به جهان‌بینی با اصول و مبادی نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از مصدر دیگری جز همان مصدر الهی برنامه بگیرد و فقط باید از فرد مسلمانی که به تقوای او اعتماد کامل دارد بیاموزد؛ ولی علوم محض را، مانند شیمی، زیست‌شناسی، پزشکی، صنعت و مدیریت، می‌تواند از مسلمان و غیر مسلمان فرا بگیرد (قطب، ۱۹۹۳م: ۸۹).

روابط متقابل حکومت و مردم: باید در نظر داشت که دیدگاه‌های سید قطب در مورد حاکمیت الله، به این معنی نیست که او به یک نظام تئوکراسی محض معتقد باشد؛ بلکه او به احقاق حقوق ملت و روابط متقابل حکومت و ملت نیز اعتقاد دارد (ر.ک: قطب، ۱۳۶۰: ۶۸). از نظر او، حکومت اسلامی باید عدالت، امنیت، آرامش، آزادی فردی و معاش زندگی مردم را ضمانت نماید. البته در صورتی که مردم فروع دین را نادیده بگیرند، مستوجب مجازات و ضمانت‌های اجرایی شدید از سوی حکومت اسلامی هستند (ر.ک: قطب، ۲۰۰۱م: ۱۲۴). در عین حال، وی معتقد است در صورتی که حاکم اسلامی رعایت موازین شرعی را نکند، مردم می‌توانند علیه او شورش و انقلاب نمایند. سید قطب به عنوان یک شخصیت انقلابی اعتقاد داشت که مبادی و اصول اساسی اسلام متضمن یک انقلاب حقیقی کامل علیه ظلم و حکومت‌های ظالم است (ر.ک: همان: ۱۲۶).

همچنین می‌گوید: «قاعده نظری که اسلام بر آن استوار است، شهادت به "لا إله إلا الله" است؛ یعنی اختصاص الوهیت و ربوبیت و قیمومیت و سلطه و حاکمیت به خدای سبحان، به صورت اعتقاد در درون و عبادت در شعائر و قانون در زندگی، تجلی می‌یابد» (سید قطب، ۱۹۸۰: ۴۸). سید قطب در بخش دیگری، این عمومیت را چنین بیان می‌کند: «این عبودیت در تصور اعتقادی و شعائر عبادی و قوانین تجلی می‌یابد. بنابراین، کسی که معتقد به یگانگی خدا نباشد، عبد او نیست، و کسی که شعائر عبادی را برای غیر خدا به جای آورد، عبد او نیست، و کسی که قوانین را از غیر خدا دریافت کند، عبد او نیست» (سید قطب، ۱۹۸۰: ۸۵). قطب در ذیل آیات ۱۸-۱ سوره حجرات، این سوره را نماد کامل برنامه‌های جهانی قرآن معرفی می‌نماید. وی می‌نویسد که نشانه‌ها و قوانین کامل قرآن اول جهان درون را به خدا مؤدب می‌سازد، این ادب اندیشه و حرکات و زبان و رازهای او را در بر می‌گیرد. ضمناً از بیرون به قانونگذاری شایسته می‌پردازد. قوانین

هستی و درون و بیرون هم‌آوا و یگانه‌اند. ساختن جهان به احساس و تلاش فرد و مقررات دولت نیاز دارد اما افراد با دولت دست به دست هم داده به همکاری و همیاری می‌پردازند (سید قطب، ۱۳۸۶، ج ۵: ۹۳۶).

تقسیم و ظایف خانوادگی و اجتماعی مردان و زنان در نظام حکومت: یکی از مسائل مهم در اندیشه سیاسی سید قطب، آنجا که از مردم و حقوق سیاسی- اجتماعی آنان سخن می‌گوید، آن است که او بیش‌تر به مردان جامعه و نه زنان نظر دارد و موافق حضور سیاسی- اجتماعی زنان نیست. اخوان المسلمین و به ویژه سید قطب، هرچند به طور کلی بیان می‌کنند که اسلام به لحاظ جنسیت و حقوق انسانی برابری کامل بین زن و مرد برقرار کرده است، و هر جا که این دو به لحاظ استعداد، خصلت و مسئولیت برابر باشند، حقوق برابر دارند، و هر جا که مانند بحث ارث و شهادت (گواهی) قضایی متفاوت باشند، شأنی متفاوت دارند، و ضمناً زن و مرد به لحاظ دینی، معنوی و مالکیت اقتصادی برابرند (ر.ک: قطب، ۱۳۶۰: ۷۹)؛ اما برای مخالفت با حق کسب و کار زن در بیرون از خانه و به طور کلی حضور سیاسی و اجتماعی زنان، دلایلی دارند: سید قطب معتقد است از آنجا که شالوده جامعه، خانواده است و خانواده هم بر اساس تخصصی بودن کارها بین زن و شوهر سامان می‌گیرد، مهم‌ترین وظیفه خانواده، تربیت نسل آینده است که بر عهده زنان است. اما زنانی که در بیرون از خانه کار می‌کنند، وظیفه اصلی و اساسی خود یعنی پرورش نسل آینده را کنار می‌گذارند و نیروی خود را به جای انسان‌سازی، در تولید مادی و ساخت ابزار آلات صرف می‌کنند که نشان‌دهنده غیر اسلامی بودن و عقب افتادگی و جاهلیت جامعه است (قطب، بی‌تا: ۹۹). البته سید قطب با وجود آنکه بیرون رفتن زن برای کار کردن و به دست آوردن معاش را مسأله دردناکی برای خانواده می‌داند، بر این باور است که در صورت ضرورت و ناچارایی باید بدان تن در داد (ر.ک: قطب، ۲۰۰۱م: ۷۲).

انسان محور بودن حکومت: از نظر سید قطب، ادیان الهی، راه و روش‌های زندگی‌اند، و نه یک تصور اعتقادی محض و یا توصیه‌های اخلاقی و یا احساسات درونی محض. او می‌گوید: «اسلام راهی است که اعتقاد را در بر می‌گیرد و جایگاه انسان و هدف او را در هستی معین می‌کند و همچنین نظام‌هایی را که از آن اعتقاد برمی‌خیزند، شامل

می‌شود؛ مانند نظام اخلاقی و نظام سیاسی و نظام اجتماعی و نظام اقتصادی و نظام بین‌المللی» (سید قطب، ۱۹۹۵: ۲) و در کتاب دیگری می‌نویسد: «نظام دین اسلام، همه حیات را در بر می‌گیرد و همه شئون انسانی؛ کوچک و بزرگ آن را بر عهده دارد» (سید قطب، ۱۹۸۰: ۲۳).

قطب در ذیل آیات:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ...﴾ (بقره/ ۳۰-۳۹)

می‌نویسد: «آنچه از نظر والای اسلام نسبت به حقیقت انسان و وظیفه او پدید می‌آید، عبارت است از بالا بردن ارزش‌های علمی از نظر کمی و کیفی و اهمیت دادن به فضائل اخلاقی و بزرگداشت از روش‌های ایمان و صلاح و اخلاص در زندگی انسان» (سید قطب، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۴۹).

فلسفه نظری حکومت: سید قطب درباره حکومت اسلامی می‌گوید: اساس کار حکومت در اسلام، طرز فکر اساسی و فلسفه خاص اسلام است که جزئیاتی از آن متفرع گشته و با جزئیات رژیم‌های دیگر گاهی تلاقی و زمانی افتراق و جدایی دارد و موارد مشابه سطحی و جزئی است. سید قطب بر یکپارچگی و استقلال مکتب اسلام بسیار تأکید دارد و ورود هر عنصر بیگانه را در این مجموعه زیانبار می‌داند. از نظر وی، قانون اسلام را در سیستم حکومتی اسلام نوعی می‌داند که قبول عنصر خارجی آن را از کارایی می‌اندازد. وی بر این باور است که یکی از مشخصه‌های رژیم اسلامی آن است که مانند تمام اجزاء دیگر اسلام با فلسفه هستی و جهان آفرینش هماهنگی دارد: رژیم اسلامی بر روی دو فکر اساسی که از طرز فکر عمومی او درباره هستی و زندگی کمک می‌گیرد بنا شده است: ۱. فکر وحدت انسانیت در جنس و نژاد؛ ۲. فکر جاویدانی بودن نظام اسلامی جهانی در آینده بشریت. سید برای حکومت اسلامی، وظایف و کارکردهای گوناگونی را برمی‌شمرد. از نظر وی، هرگاه حکومت از این حد عدول کرد و چنین عملکردی نداشت، وجوب اطاعت از آن ساقط می‌شود. وی معتقد است اطاعت از حاکم فقط منوط به

اجرای شرع است و حکومت اگر از راه اجرای شریعت منحرف شود، اطاعتش هم سقوط می‌کند (سید قطب، ۱۳۷۰: ۴۸).

حکمت محور بودن حکومت: سید قطب جدایی حکومت از حکمت را علت بحران جوامع ذکر می‌کند. اسلام در همه ازمینه توانا است تا ارزش واقعی انسان را تا عالی‌ترین مدارج آن تحقق ببخشد و از جاهلیت صنعت محوری که به آن گرفتار شده است، رهایی بخشد. تکامل انسانی در رسیدن به تمدن اسلامی، و آن هم در سایه عمل به مفاهیم اصیل اسلامی است که در آن صورت، انسان می‌تواند از تسلط و چیرگی اوضاع اجتماعی ناصحیح رهایی یافته و خود را از چیرگی محیط نجات دهد.

سید قطب پیوند حکمت با حکومت را آرمانی خود می‌داند. از این طریق، تفاوت بین جامعه جاهلی و جامعه فاضله روشن می‌شود وقتی حکومت بر اساس حکمت باشد، عمل به احکام اسلام عینی می‌شود و زمینه برای مبارزه با استکبار و استعمار فراهم می‌شود؛ به همین دلیل، سید قطب به حکومت مصر که دارای افکار ناسیونالیسم عربی است، به دلیل نبود حکمت، می‌تازد. وی چالش را طرح می‌کند که اگر حکام مصری مؤمن به اسلام هستند، چرا به ارزش‌های سوسیالیستی مهر تأیید می‌زنند؟ زیرا در این صورت آنان باید بدانند که اسلام صرفاً به سعادت مادی ننگریسته، بلکه زندگی مادی و معنوی را دوشادوش مد نظر برنامه‌های خود دارد، یعنی برنامه‌هایش می‌تواند با پیشرفت‌های زمانه سازگاری و مناسبت برقرار سازد (حاج سید جوادی، ۱۳۸۷: ۱۸۸).

اجتماع

در عقیده سید قطب دین اسلام نافذ در همه امور حیات فردی و اجتماعی انسان است.

۱. قوانین شمول‌گرای اسلام

سید قطب معتقد است هیچ نقطه‌ای در زندگی انسان اعم از فردی و اجتماعی از شمولیت عبودیت خدا مستثنا نیست، و بنابراین باید شریعت خدا در همه شئون حیات، حاکم باشد. این مطلب در تفسیر «فی ظلال القرآن» چنین بیان شده است: «اسلام

هرگز شعائر و عبادات و اشراق و تسبیح و تهذیب نفس و تزکیه روح بدون اینکه دارای آثار عملی باشند، نیست؛ آثاری که در طریقه و روش زندگی متصل به خدا تمثل می‌یابد. همه این امور تا زمانی که آثار آن در نظام اجتماعی دارای چارچوب پاک، تجلی نیابد، بدون خاصیت و اثر خواهد بود» (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۲۴).

ایشان در تفسیر آیه:

﴿وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَلَا حِجْلَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ...﴾ (آل

عمران/۵۰)

نیز چنین می‌آورد: «طبیعت هر دینی آن است که قوانینی برای تنظیم زندگی مردم در بر داشته باشد، و تنها به تهذیب اخلاق و احساسات درونی و عبادات و شعائر اکتفا نکند. ممکن نیست اعتقاد ایمانی از شعائر تبعیدی، از ارزش‌های اخلاقی، از قوانین در دینی که می‌خواهد زندگی انسان‌ها را بر اساس روش الهی سامان دهد، جدا شود» (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۰۱).

سید قطب شمولیت شریعت خدا نسبت به همه ابعاد حیات و از جمله نظام حیات اجتماعی انسان را با دو نکته تعلیل می‌کند؛ نخست آنکه شریعت الهی متصل به قوانین هستی و هماهنگ با آن است. این در حالی است که انسان قادر به شناخت همه سنت‌های هستی نیست، و لذا قادر به تشریح نظامی که هماهنگی مطلق بین حیات انسان و سنت‌های هستی برقرار کند، نیست. تنها خالق هستی و خالق انسان قادر به ایجاد چنین هماهنگی است، و هموست که شایسته تعیین سنت‌های تشریحی است؛ چنانچه سنت‌های تکوینی نیز از اوست (ر.ک: سید قطب، ۱۹۸۰: ۱۰۰). دوم آنکه این عمومیت، مقتضای عمومیت عبودیت خدا است. سید قطب معتقد است اگرچه نظام تشریحی خدا بهتر و کامل‌تر از هر نظام دیگری است، لکن این رجحان، قاعده دعوت نیست؛ بلکه قاعده و اساس دعوت آن است که قبول شریعت خدا و رها کردن هر شریعت دیگری مقتضای عبودیت خدا و در واقع معنای اسلام است (ر.ک: سید قطب، ۱۹۸۰: ۳۶).

سید قطب معتقد است در مقابل تأکیدات فراوان دین بر لزوم تحکیم دین و شریعت خداوند بر همه جوانب زندگی انسان، دشمنان اسلام کوشیده‌اند اسلام را به عنوان دینی شخصی و صرف یک سری اعتقاد و اعمال تبعیدی معرفی کنند و آن را از دخالت در نظام حیات اجتماعی بازدارند. از نظر وی، در نتیجه این تلاش‌ها، گسستی زیان‌بار بین دین

الهی و نظام حیات بشری رخ داد که لطمات جبران ناپذیری به سعادت انسان وارد کرد. سید قطب از این گسست، به «الفصام النکد» تعبیر می‌کند که نشان دهنده ضرر و آسیب فراوان آن به انسانیت از نظر نویسنده است. نتیجه این گسست و جدایی، اوضاع رقت‌باری است که امروز در جوامع پیشرفته و جوامع اسلامی شاهد هستیم. بررسی اوضاع کنونی نشان می‌دهد هیچ نشانه‌ای از سعادت انسانی مورد نظر قرآن به چشم نمی‌خورد.

۲. جامعه جاهلی و جامعه اسلامی

از اصطلاحات پرکاربرد در نوشته‌های سید قطب، اصطلاح مجتمعات اسلامی و جاهلی است. سید قطب جامعه‌ای را که شریعت الهی با همان گستره مورد نظر حاکمیت داشته باشد، مجتمعات اسلامی می‌نامد، و در غیر این صورت، آن را مجتمعات جاهلی می‌نامد. توضیح بیش‌تر آنکه: مجتمعات اسلامی به جامعه‌ای اطلاق می‌شود که در آن، افراد و گروه‌ها از عبودیت غیر خدا به عبودیت خدا وارد شوند، و آنگاه نظام زندگی‌شان را بر اساس این عبودیت برپا نمایند؛ اما جامعه جاهلی به هر جامعه‌ای اطلاق می‌شود که اساس و نظام حیات آن غیر از اساس و نظام جامعه اسلامی باشد، به عبارتی هر جامعه‌ای که عبودیت خدا را به تمام معنا در بر نداشته باشد.

اسلام تنها دو نوع مجتمعات را می‌شناسد؛ مجتمعات اسلامی که اسلام در آن اجرا می‌شود؛ عقیده و عبادت اسلام، شریعت و نظام آن، اخلاق و رفتار آن، و مجتمعات جاهلی که اسلام در آن، اجرا نشود؛ نه عقیده و تصورات اسلام، و نه ارزش‌های آن، و نه نظام و شریعت آن، و نه اخلاق و سلوک آن (ر.ک: سید قطب، ۱۹۸۰: ۱۰۵). سید قطب با این تعریف از جامعه جاهلی، همه جوامع امروز را از جوامع جاهلی می‌شمرد؛ جوامع مارکسیستی و جوامع بت پرستی و جوامع یهودی و نصرانی و حتی جوامعی که خود را مسلمان می‌شمرند. سپس چنین نتیجه‌گیری می‌کند که همه این جوامع در این ویژگی مشترک‌اند که نظامشان بر عبودیت خدا مبتنی نیست و لذا ملحق به جوامع جاهلی‌اند (ر.ک: سید قطب، ۱۹۸۰: ۸۸).

نتیجه‌ای که از این بخش به دست می‌آید، این است که تقسیم جوامع انسانی به جاهلی و اسلامی با تعریف مذکور، تأکید مجددی است بر اینکه شمولیت اسلام و بلکه

همه ادیان الهی نسبت به نظام حیات انسانی ضروری است، و در غیر این صورت، جامعه لا جرم به سوی جاهلیت کشانده می‌شود.

دیدگاه صریح و روشن سید قطب در گستره دین و شمولیت آن نسبت به همه زوایای زندگی فردی و اجتماعی انسان گذشت. سید قطب در بخش دیگری از نوشته‌های خود به آسیب شناسی عمیق و جدی نظام‌های غیر مبتنی بر شریعت الهی می‌پردازد و با به چالش کشیدن آن‌ها تأکید مجددی بر ضرورت توسعه قلمرو دین به همه جوانب زندگی بشر دارد. نقدهای سید قطب این پیام را دارد که تنها نظام تشریحی شایسته انسان، نظام مبتنی بر دین حق است، و هیچ جایگزینی برای آن نمی‌توان فرض کرد و هر بدیلی برای آن مواجه با اشکالات متعدد لا ینحلی خواهد بود.

۳. اشکالات جوامع فعلی، یا ویژگی‌های جوامع جاهلی

مهم‌ترین اشکالاتی که سید قطب به این نظام‌ها وارد می‌کند عبارت‌اند از:

۱. همه نظام‌های اجتماعی غیر توحیدی در اینکه مبتنی بر تفسیر صحیحی از هستی نیستند، مشترک‌اند. از این رو، تفاوت‌های ظاهری کمکی به حل مشکل نمی‌کند؛ مانند اینکه کلیسا در آمریکای سرمایه داری باز باشد یا در کشورهای کمونیستی محدودیت داشته باشد (سید قطب، ۱۹۹۵: ۲).

۲. دستاورد این نظام‌ها این است که روح انسان در آن‌ها می‌میرد، ارزش انسان پایین می‌آید، ویژگی‌های انسانی آسیب می‌بیند، انسان اسیر مادیات می‌شود و در اعتقادات و اخلاق دچار انحطاط می‌شود و در مقابل، قیمت مادیات بالا می‌رود و بر ارزش انسان پیشی می‌گیرد (سید قطب، ۱۹۹۵: ۴۲).

۳. پیشی گرفتن علوم طبیعی و تجربی بر علوم انسانی

سید قطب از این مطلب به فاجعه تعبیر می‌کند و معتقد است انسانیت به آن دچار شده است. از این رو نتیجه می‌گیرد که جوامعی که از نظر تمدن مادی به بالاترین حد رسیده‌اند، جوامع رو به ضعف و نابودی‌اند، زیرا علوم طبیعی و انسانی در آن‌ها همگام و همراه هم حرکت نکرده‌اند و دچار اختلال و نابسامانی شده‌اند.

به اعتقاد سید قطب، افزایش عدد اختراعات، کمک چندانی به بشریت نمی‌کند و نباید آن را خیلی بااهمیت شمرد؛ زیرا افزایش رفاه و زیبایی و لذت مادی اگر همراه با

تکامل اخلاقی و رفتاری نباشد، بلا فایده است. چنین وضعی، اصلی‌ترین و شریف‌ترین ویژگی‌های انسان را به نیستی بدل می‌کند و چیز باارزشی جایگزین آن نمی‌کند. البته این نکته را نیز یادآور می‌شود که این دستاوردها ذاتاً ضرری برای انسان ندارند؛ لکن هنگامی که ظاهر خیره‌کننده‌اش بر عقول انسان‌ها سیطره یابد و افکار اسیر مادیات شود، دارای ضرر می‌شوند (ر.ک: سید قطب، ۱۹۹۵: ۴۷).

سید قطب معتقد است عقل انسانی قدرت شناخت عالم مادی را دارد؛ زیرا ابزار و امکانات آن را در اختیار دارد، و لکن مجهز به ابزار شناخت عالم انسانی و جهان ماورای مادی نیست و از این رو، از شناخت کامل و تفصیلی آن نیز عاجز است (ر.ک: سید قطب، ۱۹۹۵: ۶۶).

استبداد ناسیونالیستی: در اندیشه سید قطب، انحطاط جامعه اسلامی، استبداد ناسیونالیستی و استعمار باعث بحران می‌شود.

از دیدگاه سید قطب، مشکل یا بحران جوامع اسلامی عبارت است از عدم استقرار حکومت اسلامی و سید قطب، با دیدگاه تفسیری خود به دنبال استقرار نظام سیاسی در مصر بود. او قائل بود که جامعه‌ای که احکام اسلام در آن رها شده و به آن‌ها عمل نگردد، جامعه جاهلی و دار الحرب محسوب می‌گردد، حتی اگر مسلمانان در آن به راحتی زندگی مادی داشته باشند. در چنین جامعه جاهلی، قطب خواستار آن است که مسلمانان برای جنگی آزادی بخش به منظور برپایی دولت اسلامی قیام نمایند، مگر اینکه جز صلح راه دیگری یافت نشود (ر.ک: جوادی، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

روابط با استعمارگران: بحران دیگر از نظر سید قطب، هرگونه معاهده و همکاری با کشورهای استعمارگر نامشروع است و مردم مسلمان حق ندارند که در عمل نامشروع با دولت همکاری کنند، بلکه باید به هر وسیله‌ای که مقدور باشد دولت را از ارتکاب هر عمل حرامی باز دارند (سید قطب، ۱۳۶۹: ۱۴۱۰). سید قطب نسبت به جنبش یهود و صهیونیسم شدیداً بدگمان بود و آن را عامل انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان می‌دانست (بی نام، ۱۳۸۶: ۵۵).

بر طبق آیه:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ (بقره/۴)

که امر به عبادت و یاری جستن صرف از خدا می‌نماید، آزادی انسانی تولد یافته و آزادی از بندگی نظام‌ها و رژیم‌های غیر خدایی استرداد شده است (سید قطب، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵).

ملی‌گرایی: سید قطب یکی از آسیب‌های بزرگ برای مسلمین را ملی‌گرایی معرفی کرده و قائل بود که لازم است مسلمان هرچه زودتر اتحاد کاملی بین خود برقرار کنند، وگرنه غرب با سلطه مالی جلو این وحدت را خواهد گرفت. در واقع، این اندیشه او در مقابل اندیشه ناسیونالیسم عربی ناصر قرار داشت. سید قطب همانند سید جمال‌الدین اسدآبادی بر مرز جغرافیایی محدود، اعتقاد نداشته و می‌گفت که مساکن مسلمانان در سراسر عالم همان جغرافیای اسلام است. او مسلمانان را امت واحده می‌خواست و مشکلات آنان را در همه کشورها مورد نظر داشت. سید در مواجهه با ملی‌شدن صنعت نفت ایران احساس وظیفه کرده و به آیت‌الله کاشانی نامه می‌نویسد و در نامه‌اش از این عامل رفع سلطه بیگانگان حمایت می‌کند (ر.ک: مجله اندیشه تقریب: شماره ۴).

عدالت اجتماعی

سید قطب در کتاب «معالم فی الطریق»، علاوه بر مباحث پر بار خود در باب آئین و عدالت اسلامی در تبیین شیوه حکومت اسلامی بر پایه‌های حکومت اسلامی نظام مالی حکومت اسلامی، سیاست داخلی و خارجی حکومت اسلامی و... اشاره کرده است. سید قطب در زمینه ضرورت وجود دولت صحبتی به میان نیاورده و تنها توضیح می‌دهد که چرا باید از بین تمام حکومت‌ها، حکومت اسلامی داشته باشیم. سید قطب ضمن اشاره به این مطلب که هر نظامی با توجه به مشکلات دوره خود به وجود می‌آید و در واقع هر نظامی باید پاسخگوی نیازهای اجتماع خود باشد و همچنین با ذکر مقدماتی از آئین اسلامی و عدالت اسلامی چنین می‌گوید که: نخست یک جامعه اسلامی که در آن قوانین و اصول اسلامی حکمفرما باشد، تشکیل دهید آنگاه خواهید دید که اسلام چگونه حکومت خواهد کرد (سید قطب، ۱۳۷۰: ۴۸).

سید قطب حکومت اسلامی را حکومت مؤمنان می‌داند و وظیفه حکومت اسلامی را برقراری عدالت می‌شمارد: «وظیفه و امانت قیمومیت انسان‌ها و فرمانروایی عادلانه در

میان مردم به مؤمنان داده شده است و عهدی است که خدا با ملت مسلمان بسته است. این امانت به طور مطلق و در همه حال و در همه جا است... هدف، عدالتی است که... حق را به صاحبش برساند؛ صاحب حق، چه مسلمان و چه غیر مسلمان باشد (سید قطب، بی تا: ۱۵۶).

محورهای عدالت اجتماعی

وی عدالت اجتماعی را در گرو سه اصل می‌داند: ۱. آزادی بنا شده بر رها شدن از ارزش‌های ثروت‌اندوزانه؛ ۲. برابری انسان‌ها؛ ۳. مسئولیت همگانی و تعهد اجتماعی بنا شده بر زکات، احسان و ارزش‌های اخلاقی. برابری اقتصادی از نظر وی، با اسلام سازگاری ندارد، چون درآمدها در گرو متغیرهای فراوانی است و استعدادهای نابرابر، وضعیت اقتصادی یکسان را بر نمی‌تابد، از این رو، عدالت با تفاوت در رزق است، نه تساوی در رزق. وی وظیفه حکومت اسلامی را مهیا ساختن بسترها برای شکوفایی استعدادهای همه شهروندان می‌شمارد (سید قطب، ج ۷: ۲۴۱-۲۴۴).

نظام اقتصادی انسان محور: سید قطب ذیل آیات:

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ﴾ (بقره /

۲۸۱-۲۷۵)

با اعلام مخالفت اسلام با نظام ضد بشری رباخواری می‌نویسد: بنیان اقتصاد اسلامی بر این است که خداوند مالک همه موجودات است و انسان را در ارزاق و اقوات و نیروها خلافت بخشیده است، اما با شروط و حساب و چهارچوب و مقررات بر اساس برنامه الهی او را ملتزم می‌سازد، مثلاً زکات را فریضه‌ای محدود در دارائی‌ها، ولی صدقه و بخشش را به شرط اعتدال آزاد مقرر فرموده است. از افراط و تفریط در حلال پرهیز داده است دستور به بهره‌وری و افزایش دارائی داده اما شرط می‌کند که در افزودن مال، روش‌هایی به کار برند که سبب آزار دیگران یا تعطیل گردش اوراق بین بندگان و تجمع بسیار مال نزد گروهی محدود نشود (سید قطب، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۸۴-۴۸۳).

عدم حبس ثروت: قطب ذیل آیات ۲۴-۱ سوره حشر با استفاده به عبارت قرآنی

﴿لَا يَكُونُ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾ تفسیر می‌نماید که این آیه قانون بزرگ نظام اجتماعی

اقتصادی اسلام را می‌سازد و ضمن اعتراف به مالیکت فردی مشخص می‌کند که دارائی‌ها نباید بین ثروتمندان مانده و به فقرا نرسد، زیرا با نظام اجتماعی اسلام مخالفت دارد. اسلام علاوه بر قانون زکات، به رهبر مسلمانان اجازه می‌دهد تا هنگام کسر بودجه، در اموال ثروتمندان تصرف کند تا توازن را برقرار نماید (سید قطب، ۱۳۸۶، ج ۶: ۲۵۱-۲۵۳).
عدالت قضایی: قضاوت عادلانه، امنیت جامعه قرآنی. قطب ذیل آیه ۵۸ سوره نساء و با تمسک به عبارت ﴿ان تحکمو بالعدل﴾ می‌نویسد که قضا و داوری دادگرانه، اسامی حکومت در اسلام است و یکی از جلوه‌های امانت محسوب می‌شود. دادگری اسلامی، شامل همه مردمان اعم از مؤمنان و کافران، دوستان و دشمنان، سیاه و سفید و عرب و غیر عرب می‌شود. این دادگری با قانون انسان محور قرآن در زمامداری قدرتمند اسلامی شامل همه آحاد جامعه شده و سبب آرامش و امنیت آنان می‌گردد (سید قطب، ج ۱، ۱۳۸۶: ۱۱۵-۱۱۳).

نتیجه بحث

اسلام باید در قالب حکومت اسلامی حکومت کند و شریعت اسلام در آن به طور کامل اجرا شود.
در حکومت، همه امور باید بر پایه عبودیت خدا باشد. از این رو، انسان در شئون زندگی حق ندارد از سوی خود حکم و قانونی صادر کند؛ بلکه مرجع تمام احکام و قوانین باید خدا باشد و جایی برای معیارها و نظام‌ها و اندیشه‌های غربی وجود ندارد.
سید قطب، هم مخالف حضور سیاسی- استعماری غرب در جهان اسلام، و هم مخالف ارتباط با بهره‌مندی مبنا محور از اندیشه و مکتب‌های فکری غرب، مانند سکولاریسم و ناسیونالیسم بود.
از نظر وی، شرط برقراری جامعه اسلامی، ایجاد حکومتی اسلامی توسط گروه پیشتازی از مؤمنان است تا بتوانند قوانین اسلام را اجرا کند.
سید قطب لزوم اجرای قوانین اسلام را وجود حکومتی اسلامی که در پی اجرای این قوانین باشد می‌داند و تفاوت حکومت اسلامی و جاهلی را نیز التزام و عدم التزام شریعت می‌داند.

سید قطب مبنای قوام حکومت اسلامی را، انتخاب خلیفه و تحقق شوری در همه مراتب اجتماع و تحقق عدالت اجتماعی و تعاون در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و مادی و معنوی می‌داند.

کتابنامه

- الحسینی، اسحاق موسی. ۱۳۷۷ش، *اخوان المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر*، ترجمه هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- حموده، عادل. ۱۹۹۳م، *سید قطب من القرية الى المشنقة (سيرة الأب الروحي لجماعات العنف)*، قاهره: دار الخيال.
- حنفی، حسن. بی‌تا، *الحركات الدينية المعاصرة*، قاهره: مکتبه دیولی.
- خالدی، صلاح عبدالفتاح. ۱۳۸۰ش، *سید قطب از ولادت تا شهادت*، ترجمه جلیل بهرامی‌نیا، تهران: انتشارات احسان.
- عزام، عبدالله. بی‌تا، *عماق الفكر الاسلامی (الشهید سید قطب)*، بی‌شاور: مرکز شهید عزام الاعلامی.
- علی‌خانی، علی‌اکبر. ۱۳۸۶ش، *اندیشه‌های سیاسی در جهان در اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی فرهنگ و مطالعات اجتماعی.
- قطب، سید. ۱۳۵۵ش، *زیربنای صلح جهانی*، ترجمه سیده‌های خسروشاهی و زین‌الدین قربانی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قطب، سید. ۱۳۶۰ش، *مقابله اسلام با سرمایه‌داری و تفسیر آیات ربا*، ترجمه: سیدمحمد رادمش، تهران: انتشارات بنیاد علوم اسلامی.
- قطب، سید. ۱۳۶۵ش، *آینده در قلمرو اسلام*، ترجمه: آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، مشهد: انتشارات سپیده.
- قطب، سید. ۱۳۸۶ش، *فی ظلال القرآن*، ترجمه: مصطفی خرم‌دل، ج ۱، تهران: نشر احسان.
- قطب، سید. ۱۹۵۷-۱۹۵۸م، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
- قطب، سید. ۱۹۹۳م، *المستقبل لهذا الدين*، قاهره: دار الشروق.
- قطب، سید. ۲۰۰۱م، *السلام العالمی والاسلام*، قاهره: دار الشروق.
- قطب، سید. بی‌تا، *معالم فی الطريق*، بی‌جا: منبر التوحید و الجهاد.
- قطب، سید. ۱۳۶۳ش، *عدالت اجتماعی در اسلام*، ج ۱، ترجمه: محمدعلی گرامی و سیده‌های خسروشاهی، قم: انتشارات مصطفوی.
- قطب، سید. ۱۳۷۸ش، *نشانه‌های راه*، ترجمه محمود محمودی، تهران: انتشارات احسان.

کتاب انگلیسی

Calvetr, Jahn. (2010). *Sayyid Qutb and the origins of radical Islamism*, New York: Chichester.

مقالات

- البدری، جمال. ۲۰۰۳م، «پیشگامان بیداری اسلامی در مصر»، مجله معرفت، شماره ۱۲۱. رمضان زاده، فرهاد. ۱۳۹۸ش، «واکاوی افراط گرایی دینی و نقش تعلیم و تربیت اسلامی در مهار آن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال دهم، شماره ۳۹.
- مرادی، مجید. ۱۳۸۲ش، «تقریر گفتمان سید قطب»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۱.
- منظمی، علی. ۱۳۷۵ش، «سید قطب نویسنده معاصر مصر»، مجله زبان و ادبیات، شماره ۱۳۹ و ۱۴۰.

Bibliography

- Al-Hosseini, Ishaq Musa 1998, Akhavan Al-Moslemin, the largest contemporary Islamic movement, translated by Hadi Khosroshahi, Tehran: Ettelaat Publications.
- Hamouda, Adel. 1993, Sayed Qutab Men Al-Gharyah Ela Al-Mashnagha (Sirat Al-Ab Al-Ruhi Lejamaat Al-Anaf), Cairo: Dar al-Khayal.
- Hanafi, Hassan, no date, Contemporary Religious Movements, Cairo: Diwali School.
- Khaledi, Salah Abdul Fattah 2001, Seyed Qutab from birth to martyrdom, translated by Jalil Bahraminia, Tehran: Ehsan Publications.
- Azzam, Abdullah, no date, Amlaq al-Fekr al-Islami (Martyr Sayed Qutab), Bishawar: Martyr Azam al-Alami Center.
- Ali Khani, Ali Akbar. 2007, Political Thoughts in the World in Islam since the Collapse of the Ottoman Caliphate, Tehran: Institute of Humanities, Culture and Social Studies.
- Qutab, Seyed. 1976, The Foundation of World Peace, translated by Seyed Hadi Khosroshahi and Zeinuddin Ghorbani, Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Qutab, Seyed. 1981, The Confrontation of Islam with Capitalism and the Interpretation of the Verses of Usury, translated by Seyed Mohammad Radmanesh, Tehran: Islamic Sciences Foundation Publications.
- Qutab, Seyed. 1986, The Future in the Realm of Islam, translated by Grand Ayatollah Seyed Ali Khamenei, Mashhad: Sepideh Publications.
- Qutab, Seyed. 2007, in the shadow of the Qur'an, translated by Mustafa Khorramdel, vol. 1, Tehran: Ehsan Publishing.
- Qutab, Seyed. 1957-1958 AD, in the shadow of the Qur'an, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Kotob Al-Arabiya. Qutab, Seyed. 1993, Al-Mostaghbal Lehaza Al-Din, Cairo: Dar Al-Shorouk.
- Qutab, Seyed. 2001 AD, Al-Salam Al-Alami Valeslam, Cairo: Dar Al-Shorouk.
- Qutab, Seyed. No date, Ma'alem fi al-Tariq, Bija: Monir Al-Towhid Valjahad
- Qutab, Seyed. 1984, Social Justice in Islam, Vol. 1, translated by Mohammad Ali Gerami and Seyed Hadi Khosroshahi, Qom: Mostafavi Publications.
- Qutab, Seyed. 1999, Road Signs, translated by Mahmoud Mahmoudi, Tehran: Ehsan Publications.
- English books
- Calvetr, Jahn. (2010). Sayyid Qutb and the origins of radical Islamism, New York: Chichester.

Articles

- Al-Badri, Jamal 2003, "Pioneers of Islamic Awakening in Egypt", Journal of Knowledge, No. 121. Ramezanzadeh, Farhad. 2019, "Analysis of religious extremism and the role of Islamic education in controlling it", Quarterly Journal of Quranic Studies, Tenth Year, No. 39.
- Moradi, Majid 2003, "Sayed Qutab's Discourse Report", Political Science Quarterly, No. 21.
- Manzami, Ali. 1996, "Sayed Qutab, a contemporary Egyptian writer", Journal of Language and Literature, No. 139 and 140.

Analysis of Sayed Qotab's Governmental and Social Thoughts in "Fi Zalal Al-Quran"

Date of Receiving: December 3, 2019

Date of Acceptance: March 8, 2019

Hamid Reza Faridi: PhD student, Department of Quran and Hadith, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

Faraj Behzad Vakilabad: Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran. behzad.f.phd@gmail.com

Samad Abdullahi Abed: Associate Professor of Shahid Madani University of Azerbaijan.

Corresponding author: Faraj Behzad Vakilabad

Abstract

Sayed Qotab is one of the prominent and famous figures in the interpretation of the Qur'an and one of the most capable theorists in the field of Islamic ideology. The analysis of his thoughts on government and community issues is the subject of this article. The purpose of this study is to answer this question: What are the most important governmental and social indicators according to Sayed Qotab? In this research, with a qualitative method and analytical approach, the social thoughts of this commentator on governmental and social issues have been studied and the following results have been obtained: Sayed Qotab considers a special importance to the individual and society and considers belief as the reason for the emergence of society. The ideal society, in his view, is a religious society. He considers the existence of government and justice necessary for society and distinguishes between justice and absolute equality. Sayed Qotab was formed in the confrontation of Islamic civilization with Western civilization, the political trends of secular Islam and Islamic fundamentalism, which are the main challenges of the Islamic world.

Keywords: Sayed Qotab, Fi Zalal Al-Quran, Government, Society, Politics.